

From Two Pine Trees to The Pine Grove: A Comparative Study of Two Versions of a Poem Based on the Principles of Rhetoric

Dariush Zolfaghari^۱

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Research Institute
of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran

Abstract

“Two Pine Trees” is one of the most well-known poems by the contemporary Iranian poet Mohammad Javad Mohabbat (۱۹۴۳–۲۰۲۳). The poem was included in the fourth-grade Persian textbook in Iran from ۱۹۸۴ to ۲۰۱۴ and, since ۲۰۱۵, has appeared in a revised form entitled “The Pine Grove” in the fifth-grade Persian textbook. The substantial differences between these two versions raise the question of which one is more effective, from a rhetorical perspective and in terms of its appropriateness to child and adolescent readers, in conveying moral values. To address this question, the present study comparatively examined the two versions of the poem based on rhetorical analysis, drawing upon the principles of Persian rhetoric, particularly the science of Ma‘ānī and the principle of muqtadā al-hāl (appropriateness to the communicative situation). The comparison focused on syntactic structures, narrative organization, lexical choices, the use of brevity (ījāz) and amplification (itnāb), and the strategies employed to communicate moral concepts. The findings indicate that the original version, “Two Pine Trees,” is more effective than the revised version in terms of rhetorical and emotional impact. This superiority stems from its use of indirect expression, allusion, narrative suspense, causal coherence, and its capacity to engage readers in discovering the intended moral message. By contrast, although “The Pine Grove” is characterized by fluent language, an optimistic atmosphere, and strong educational values, it relies more heavily on the explicit expression of moral concepts and therefore does not achieve the same degree of rhetorical effectiveness as the original poem. The study concludes that, in adapting literary works for school textbooks, preserving rhetorical richness and indirect modes of moral instruction alongside educational considerations can enhance both the lasting appeal and the educational effectiveness of literary texts for child and adolescent readers.

Keywords: Comparative Study; Rhetorical Analysis; Children's and Young Adult Literature; Mohammad Javad Mohabbat; Two Pine Trees; The Pine Grove.

از «دو کاج» تا «کاجستان»: بررسی تطبیقی دو روایت از یک شعر بر

پایه مبانی بلاغت

داریوش ذوالفقاری^۱

استادیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

چکیده

شعر «دو کاج» از مشهورترین سروده‌های محمدجواد محبت، شاعر معاصر ایرانی (۱۳۲۲-۱۴۰۱)، است که از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۳ در کتاب فارسی پایه چهارم دبستان منتشر می‌شد و از سال ۱۳۹۴ با روایتی تازه و عنوان «کاجستان» در کتاب فارسی پایه پنجم دبستان جای گرفت. تفاوت چشمگیر این دو روایت، این پرسش را پدید آورد که کدام‌یک از آنها از منظر بلاغی و متناسب با اقتضای حال مخاطب کودک و نوجوان، در انتقال مفاهیم اخلاقی اثرگذارتر است. پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این پرسش، دو روایت شعر را با روش بررسی تطبیقی بر پایه تحلیل بلاغی و با تکیه بر مبانی علم معانی، به‌ویژه اصل اقتضای حال، بررسی کرد. در این تحلیل، شگردهای نحوی، ساختار روایی، گزینش واژگان، ایجاز و اطناب، و شیوه انتقال پیام اخلاقی در دو روایت مقایسه شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که روایت نخست «دو کاج» به سبب بهره‌گیری از بیان غیرمستقیم، کنایه، تعلیق، انسجام علی رخدادها و مشارکت دادن ذهن مخاطب در کشف معنا، از نظر اثرگذاری عاطفی و بلاغی بر روایت جدید برتری دارد. همچنین روشن شد که روایت «کاجستان» با وجود برخورداری از زبانی روان، فضایی امیدبخش و ارزش‌های تربیتی، بیشتر بر بیان مستقیم مفاهیم اخلاقی تکیه دارد و از این‌رو، از ظرفیت بلاغی روایت نخست فاصله می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که در بازآفرینی متون ادبی برای کتاب‌های درسی، حفظ ظرفیت‌های بلاغی و شیوه‌های غیرمستقیم انتقال پیام اخلاقی، در کنار توجه به ملاحظات تربیتی، می‌تواند به افزایش ماندگاری و اثرگذاری آثار در ذهن و زبان مخاطبان کودک و نوجوان بینجامد.

کلیدواژه‌ها: بررسی تطبیقی، نقد بلاغی، ادبیات کودک و نوجوان، محمدجواد محبت، دو کاج، کاجستان.

^۱ d.zolfaghari@richt.ir

۱. مقدمه

محمدجواد محبت، شاعر، نویسنده و پژوهشگر معاصر ایرانی، در سال ۱۳۲۲ در کرمانشاه زاده شد. او دوران کودکی و تحصیلات خود را در همان شهر گذراند و پس از پایان تحصیل، سال‌هایی را به آموزگاری در روستاهای قصر شیرین اختصاص داد. تجربه زیسته در محیط آموزش و ارتباط مستقیم با کودکان و نوجوانان، در کنار ذوق ادبی و آشنایی با سنت شعر فارسی، موجب شد بخش مهمی از آثار او با مخاطبان کودک و نوجوان پیوندی عمیق برقرار کند. شعرهای محبت از دهه ۱۳۴۰ در نشریات ادبی و فرهنگی، از جمله توفیق، خوشه، روشنفکر، دریاچه، تهران‌مصور و هفته‌نامه مشیر منتشر می‌شد و به تدریج جایگاه او را در میان شاعران معاصر تثبیت کرد (شهرستان ادب، «پرواز شبتابان»).

محبت از سال ۱۳۶۲ به گروه مؤلفان کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش پیوست و آثار متعددی از او در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، به‌ویژه پایه‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم، جای گرفت. افزون بر شاعری، در زمینه نقد شعر و قصه‌نویسی نیز فعالیت داشت و با کانون شعرا و نویسندگان امور تربیتی اداره کل آموزش و پرورش کرمانشاه و نیز انجمن‌های ادبی رشید یاسمی، شعر جوان و ادیبان ایران همکاری می‌کرد. همچنین در سال ۱۳۵۲ یکی از چهار شاعری بود که به دریافت جایزه شعر فروغ نائل آمد (کیهان فرهنگی، ویژه‌نامه محبت؛ انجمن شعر ایران). وی پس از بیش از شش دهه فعالیت فرهنگی و ادبی، در ۲۳ اسفند ۱۴۰۱ در زادگاه خود درگذشت و در گورستان باغ فردوس کرمانشاه به خاک سپرده شد (عصر ایران؛ ایسنا).

شعر «دو کاج» از مشهورترین سروده‌های محمدجواد محبت است که به‌واسطه حضور چندین ساله در کتاب‌های درسی فارسی، در حافظه جمعی نسل‌های متعددی از دانش‌آموزان ایرانی جای گرفته است. این شعر از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۳ در کتاب فارسی پایه چهارم دبستان تدریس می‌شد و طی سه دهه، به یکی از خاطره‌انگیزترین متون ادبی کتاب‌های درسی ایران تبدیل شد. از سال ۱۳۹۴، شاعر با بازنگری در پایان‌بندی این شعر، روایت تازه‌ای از آن را با عنوان «کاجستان» عرضه کرد که از آن زمان تاکنون در کتاب فارسی پایه پنجم دبستان منتشر می‌شود. بدین ترتیب، یک متن ادبی واحد در دو روایت متفاوت در نظام آموزشی ایران حضور یافته است؛ روایتی کهن با پایانی تراژیک و روایتی جدید با فرجامی امیدبخش.

دگرگونی پایان این شعر، صرفاً تغییری در چند بیت پایانی نیست، بلکه به تغییر در ساختار روایت، نظام ارزش‌ها، شیوه القای پیام و در نتیجه، کیفیت اثرگذاری آن بر

مخاطب کودک و نوجوان انجامیده است. از همین رو، مقایسه این دو روایت تنها از منظر محتوایی کافی نیست، بلکه باید با تکیه بر مبانی بلاغت، شگردهای بیانی و اقتضای حال مخاطب نیز بررسی شود تا روشن گردد هر یک از این دو روایت تا چه اندازه در انتقال پیام و برانگیختن تأثیر عاطفی و تربیتی کامیاب بوده‌اند.

بر همین اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد نقد بلاغی مقابله‌ای، دو روایت «دو کاج» و «کاجستان» را بررسی می‌کند و می‌کوشد با تحلیل ساختار زبانی، شگردهای نحوی و عناصر بلاغی هر دو متن، میزان توفیق آنها را در برقراری ارتباط با مخاطب کودک و نوجوان نشان دهد.

پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که ارزش بلاغی یک متن، تنها به زیبایی‌های لفظی و معنوی آن محدود نمی‌شود، بلکه میزان انطباق آن با اقتضای حال مخاطب نیز در سنجش بلاغت نقشی اساسی دارد. از این رو، دو روایت شعر «دو کاج» با تکیه بر مبانی علم معانی، به‌ویژه اصل اقتضای حال، و نیز با بهره‌گیری از روش تحلیل تطبیقی بررسی می‌شوند تا روشن شود کدام روایت در انتقال غیرمستقیم مفاهیم اخلاقی به مخاطب کودک و نوجوان توفیق بیشتری یافته است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی، یادداشت‌های انتقادی و پایگاه‌های اطلاعاتی نشان داد که تاکنون پژوهش مستقلی با موضوع مقایسه بلاغی دو روایت شعر «دو کاج» و «کاجستان» منتشر نشده است. با این حال، نوشته‌های مرتبط با این اثر را می‌توان در چند دسته کلی جای داد.

دسته نخست، شامل نوشته‌هایی است که به معرفی زندگی، شخصیت ادبی و آثار محمدجواد محبت پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به ویژه‌نامه کیهان فرهنگی (۱۳۸۴)، گزارش «پرواز شب تابان» در پایگاه شهرستان/دب و مطالب منتشرشده در/انجمن شعر/یران اشاره کرد. این آثار، اطلاعات ارزشمندی درباره زندگی و جایگاه ادبی شاعر ارائه کرده‌اند، اما وارد تحلیل ساختار ادبی یا بلاغی شعر «دو کاج» نشده‌اند.

دسته دوم، یادداشت‌ها و گزارش‌هایی هستند که پس از انتشار روایت جدید شعر با عنوان «کاجستان» منتشر شده‌اند. این نوشته‌ها، از جمله گزارش صبح قزوین و گفت‌وگوی منتشرشده در عصر/یران، بیشتر به چرایی تغییر پایان‌بندی شعر، دیدگاه مسئولان تألیف کتاب‌های درسی و تناسب روایت جدید با فضای آموزشی و روان‌شناختی کودکان پرداخته‌اند. محور اصلی این مطالب، تبیین دلایل تغییر متن و بازتاب آن در افکار عمومی است و نه تحلیل ادبی یا بلاغی دو روایت.

دسته سوم، متن دو روایت منتشرشده در کتاب‌های فارسی چهارم و پنجم دبستان است که خود مهم‌ترین منابع نخستین این پژوهش به شمار می‌آیند. با وجود تفاوت‌های آشکار میان این دو روایت، در منابع بررسی‌شده پژوهشی یافت نشد که این تفاوت‌ها را از منظر علم بلاغت، به‌ویژه با تکیه بر اقتضای حال، معانی نحو، گزینش واژگان، ایجاز و اطناب و شگردهای بیانی، به صورت تطبیقی تحلیل کرده باشد.

بر این اساس، خلأ اصلی پژوهش حاضر، نبود بررسی نظام‌مند بلاغی و تطبیقی دو روایت این شعر است. پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ را با مقایسه دو روایت بر پایه مبانی بلاغت پر کند و نشان دهد که تغییر پایان‌بندی، افزون بر دگرگونی پیام اخلاقی، چه تأثیری بر ساختار بلاغی، انسجام روایی و میزان اثرگذاری شعر بر مخاطب کودک و نوجوان گذاشته است. از این منظر، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که برای نخستین بار دو روایت این اثر را با تکیه بر مبانی بلاغت و روش بررسی تطبیقی تحلیل و ارزیابی می‌کند.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی دو روایت شعر «دو کاج» و «کاجستان» بر پایه تحلیل بلاغی است. در این پژوهش، دو روایت شعر با یکدیگر مقابله شدند و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها از منظر مبانی بلاغت، به‌ویژه اقتضای حال، معانی نحو، گزینش واژگان، شگردهای بیانی و میزان اثرگذاری بر مخاطب کودک و نوجوان، تحلیل و ارزیابی شدند.

۴. مبانی نظری پژوهش

۴-۱. روایت و شعر روایی

روایت از بنیادی‌ترین مفاهیم نقد ادبی است و به بازنمایی زنجیره‌ای از رویدادها در قالبی منسجم و هدفمند گفته می‌شود. هر روایت بر پایه عناصری چون شخصیت، کنش، پیرنگ، گره‌افکنی، گره‌گشایی، زمان و مکان شکل می‌گیرد و از رهگذر رابطه علی و زمانی میان رخدادها، پیام خود را به مخاطب منتقل می‌کند (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۵۳؛ اخوت، ۱۳۹۰: ۲۱). اگرچه روایت بیش از همه در داستان و رمان جلوه می‌یابد، شعر نیز می‌تواند با بهره‌گیری از عناصر روایی، رخداد یا داستانی را در قالبی منظوم بازآفریند. این دسته از آثار در قلمرو «شعر روایی» قرار می‌گیرند و افزون بر بهره‌مندی از ظرفیت‌های موسیقایی و تصویری شعر، از ویژگی‌های روایت نیز برخوردارند.

در شعر روایی، نحوه سازمان‌دهی رخدادها، چگونگی شکل‌گیری کشمکش، رابطه علت و معلولی میان حوادث و شیوه پایان‌بندی، نقشی اساسی در انتقال پیام و میزان

اثرگذاری اثر دارند. از این‌رو، هرگونه تغییر در ساختار روایت، به‌ویژه در گره‌گشایی و فرجام داستان، می‌تواند افزون بر دگرگونی پیام، بر ارزش‌های بلاغی و ادبی اثر نیز تأثیر بگذارد.

شعر «دو کاج» از این منظر، نمونه‌ای از شعر روایی است که با معرفی شخصیت‌ها، ایجاد گره داستانی، شکل‌گیری کشمکش و فرجام‌بندی، ساختاری روایی یافته است. روایت دوم، یعنی «کاجستان»، ضمن حفظ ساختار کلی داستان، در بخش گره‌گشایی و پایان‌بندی دگرگون شده است. از این‌رو، موضوع این پژوهش صرفاً مقایسه دو متن منظوم نیست، بلکه بررسی دو شیوه متفاوت روایت‌پردازی و انتقال پیام در یک اثر ادبی است.

۲-۴. بلاغت، اقتضای حال و مخاطب کودک

بلاغت در سنت نقد ادبی فارسی و عربی، به مطابقت کلام با مقتضای حال تعریف شده است. بلاغت‌دانان بر این باورند که ارزش سخن تنها به فصاحت واژگان و زیبایی صنایع ادبی وابسته نیست، بلکه زمانی کلام به مرتبه بلاغت می‌رسد که با موقعیت سخن، هدف گوینده و ویژگی‌های مخاطب هماهنگ باشد (سکاکی، بی‌تا، ج ۱: ۳۹۷؛ خطیب قزوینی، ۱۳۸۲: ۴۳). بر این اساس، اقتضای حال یکی از بنیادی‌ترین مبانی علم معانی به شمار می‌رود و معیار سنجش تناسب ساختار کلام با شرایط ارتباطی است. در ادبیات کودک و نوجوان، اصل اقتضای حال اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا مخاطب کودک از نظر رشد شناختی، دامنه تجربه و درک مفاهیم انتزاعی با مخاطب بزرگسال تفاوت دارد. از این‌رو، آثاری که پیام خود را از رهگذر روایت، تصویر، کشمکش، پیامد رفتار شخصیت‌ها و مشارکت ذهنی مخاطب منتقل می‌کنند، معمولاً تأثیر عمیق‌تر و ماندگارتری بر ذهن و حافظه کودک بر جای می‌گذارند. در مقابل، بیان مستقیم مفاهیم اخلاقی، هرچند فهم پیام را آسان‌تر می‌کند، الزاماً به افزایش اثرگذاری ادبی اثر نمی‌انجامد.

بر همین مبنا، در پژوهش حاضر، دو روایت «دو کاج» و «کاجستان» بر اساس اصل اقتضای حال و با تکیه بر شاخص‌هایی چون ساختار روایت، معانی نحو، گزینش واژگان، ایجاز و اطناب، شگردهای بیانی و نحوه انتقال غیرمستقیم پیام اخلاقی بررسی و مقایسه می‌شوند تا روشن شود تغییر پایان‌بندی شعر چه تأثیری بر ظرفیت‌های بلاغی و میزان اثرگذاری آن بر مخاطب کودک و نوجوان گذاشته است.

۵. بحث و بررسی

۱-۵. معرفی شعر «دو کاج»

شعر «دو کاج» شناخته‌شده‌ترین و ماندگارترین اثر محمدجواد محبت است که به گفته شاعر، در سال ۱۳۶۲ و به سفارش غلامعلی حداد عادل سروده شد. این شعر از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۳ در کتاب فارسی پایه چهارم دبستان به چاپ می‌رسید و طی سه دهه، یکی از پرخواننده‌ترین و تأثیرگذارترین متون ادبی کتاب‌های درسی ایران به شمار می‌رفت. حضور مستمر این شعر در نظام آموزشی سبب شد چندین نسل از دانش‌آموزان ایرانی آن را بخوانند، حفظ کنند و با مفاهیم اخلاقی و عاطفی آن ارتباط برقرار سازند؛ از این رو «دو کاج» را می‌توان یکی از ماندگارترین نمونه‌های شعر کودک و نوجوان در کتاب‌های درسی معاصر دانست.

از سال ۱۳۹۴، محمدجواد محبت با بازنگری در پایان‌بندی این شعر، روایت تازه‌ای از آن را با عنوان «کاجستان» عرضه کرد. این روایت از آن زمان تاکنون در کتاب فارسی پایه پنجم دبستان منتشر می‌شود. مهم‌ترین تفاوت دو روایت، به تغییر پایان داستان محدود نمی‌شود، بلکه در نظام روایی، شیوه انتقال پیام، فضای عاطفی و کارکرد بلاغی شعر نیز بازتاب یافته است. در روایت نخست، فرجام داستان بر پیامدهای بی‌وفایی و بی‌مهری استوار است، در حالی که روایت دوم با تأکید بر همدلی، مدارا و امید، پایانی متفاوت و خوش‌بینانه ارائه می‌کند.

همین تفاوت بنیادین، دو روایت را به متنی مناسب برای نقد و مقایسه بلاغی تبدیل کرده است. از آنجا که هر دو روایت از یک شاعر، با یک آغاز مشترک و برای مخاطبی تقریباً یکسان سروده شده‌اند، مقایسه آنها امکان مناسبی برای ارزیابی تأثیر تغییرات روایی، زبانی و بلاغی بر میزان اثرگذاری شعر فراهم می‌آورد. از این رو، در ادامه، نخست ساختار داستانی دو روایت معرفی و سپس تفاوت‌های آنها از منظر بلاغت و اقتضای حال مخاطب کودک و نوجوان بررسی خواهد شد.

۲-۵. ساختار روایی شعر «دو کاج»

داستان شعر «دو کاج» بر محور رابطه دو درخت کاج شکل می‌گیرد که در کنار خطوط سیم‌های مخابرات و هم‌زمان با یکدیگر از خاک سر برمی‌آورند. گذر زمان، این دو درخت را چنان در کنار یکدیگر می‌پروراند که رهگذران از آنها به‌عنوان دو دوست دیرین یاد می‌کنند. شاعر از همان آغاز، با تصویرسازی ساده و ملموس، فضایی سرشار از همراهی، همزیستی و دوستی می‌آفریند و ذهن مخاطب را برای وقوع حادثه‌ای سرنوشت‌ساز آماده می‌کند.

گره اصلی داستان در روزی طوفانی پدید می‌آید؛ زمانی که یکی از دو کاج، بر اثر شدت باد، تعادل خود را از دست می‌دهد و بر تنه دوست خود تکیه می‌کند. او با لحنی مؤدبانه و آمیخته به خواهش، از همسایه می‌خواهد چند روزی سنگینی او را تحمل کند تا ریشه‌های آسیب‌دیده او دوباره در خاک استوار شوند. اما کاج دیگر، که از آسیب طوفان در امان مانده است، برخلاف انتظار مخاطب، رفتاری آکنده از بی‌مهری و بی‌وفایی نشان می‌دهد و از پذیرش این درخواست سر باز می‌زند. او برای رهایی از بار دوست خود، تنه‌اش را به شدت می‌جنباند و کاج آسیب‌دیده بر اثر برخورد با سیم‌های مخابرات بر زمین می‌افتد و موجب گسسته شدن خطوط ارتباطی می‌شود.

با قطع ارتباط، مأموران مخابرات برای بررسی علت حادثه در محل حاضر می‌شوند. آنان پس از ترمیم سیم‌های آسیب‌دیده، برای جلوگیری از تکرار چنین رویدادی، درخت بی‌وفا را نیز با تبر قطع می‌کنند. بدین ترتیب، داستان با فرجامی تلخ پایان می‌یابد؛ فرجامی که در آن، بی‌مهری و خودخواهی نه تنها به نابودی دوست آسیب‌دیده، بلکه در نهایت به هلاکت عامل این بی‌وفایی نیز می‌انجامد.

این روایت، با وجود سادگی ساختار داستانی، از پیرنگی منسجم و علی‌برخوردار است. تمام رخدادها بر اساس رابطه علت و معلولی پیش می‌روند و پایان داستان نیز پیامد طبیعی کنش شخصیت‌هاست. همین انسجام روایی، در کنار بهره‌گیری از شخصیت‌بخشی به درختان و پیوند دادن سرنوشت آنها با زندگی انسان، زمینه را برای شکل‌گیری لایه‌های بلاغی و اخلاقی شعر فراهم می‌کند؛ لایه‌هایی که در مقایسه روایت قدیم با روایت جدید اهمیت ویژه‌ای می‌یابند.

۵-۳. متن دو روایت

دو کاج

خارج از ده دو کاج روئیدند	در کنار خطوط سیم پیام
آن دو را چون دو دوست می‌دیدند	سالیان دراز رهگذران
زیر رگبار و تازیانه باد	یکی از روزهای پائیزی
خم شد و روی دیگری افتاد	یکی از کاج‌ها به خود لرزید
خوب در حال من تأمل کن	گفت ای آشنا ببخش مرا
چند روزی مرا تحمل کن	ریشه‌هایم ز خاک بیرون است
مردم‌آزار، از تو بیزارم	کاج همسایه گفت با تندی
من کجا طاقت تو را دارم؟	دور شو دست از سرم بردار
یار بی‌رحم و بی‌محبت او	بینوا را سپس تکانی داد

سیم‌ها پاره گشت و کاج افتاد	بر زمین نقش بست قامت او
مرکز ارتباط دید آن روز	انتقال پیام ممکن نیست
گشت عازم گروه پی‌جویی	تا ببیند که عیب کار از چیست
سیمبانان پس از مرمت سیم	راه تکرار بر خطر بستند
یعنی آن کاج سنگدل را نیز	با تبر تکه تکه بشکستند

(کتاب فارسی چهارم دبستان ۱۳۶۳)

کاجستان

در کنار خطوط سیم پیام	خارج از ده دو کاج روئیدند
سالیان دراز رهگذران	آن دو را چون دو دوست می‌دیدند
روزی از روزهای پائیزی	زیر رگبار و تازیانه باد
یکی از کاج‌ها به خود لرزید	خم شد و روی دیگری افتاد
گفت ای آشنا ببخش مرا	خوب در حال من تأمل کن
ریشه‌هایم ز خاک بیرون است	چند روزی مرا تحمل کن
کاج همسایه گفت با نرمی	دوستی را نمی‌برم از یاد
شاید این اتفاق هم روزی	ناگهان از برای من افتاد
مهربانی به گوش باد رسید	باد آرام شد، ملایم شد
کاج آسیب دیده ما هم	کم کمک پا گرفت و سالم شد!
میوه کاج‌ها فرو می‌ریخت	دانه‌ها ریشه می‌زدند آسان
ابر باران رساند و چندی بعد	ده ما نام یافت کاجستان

(کتاب فارسی پنجم دبستان، ۱۳۹۴)

۴-۵. تغییر روایت «دو کاج» به «کاجستان»؛ زمینه‌های بازآفرینی شعر

در آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۴، خبر انتشار دوباره شعر «دو کاج» در کتاب فارسی دوره ابتدایی، با روایتی تازه و عنوان «کاجستان»، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها یافت. در گزارش‌های منتشر شده آمده بود که این شعر، این بار با پایانی متفاوت و امیدبخش در کتاب فارسی پایه پنجم دبستان گنجانده شده است (صبح قزوین). در همان گزارش‌ها، یکی از دلایل این بازنگری، پایان اندوه‌بار روایت نخست دانسته شد؛ روایتی که این پیام را القا می‌کرد که بی‌رحمی و بی‌وفایی، سرانجام گریبان خود انسان را نیز خواهد گرفت (همان).

در همان زمان، فریدون اکبری، مدیر وقت گروه زبان و ادبیات فارسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، درباره چرایی این تغییر توضیح داد که داستان «دو کاج» نخستین بار در دهه ۱۳۴۰ به صورت متنی داستانی وارد کتاب‌های درسی شد و محمدجواد محبت بعدها آن را به شعر تبدیل کرد. به گفته وی، این شعر پس از سال‌ها حضور در کتاب‌های درسی، با نقدهایی روبه‌رو شد که عمدتاً بر پایان تلخ آن و ناسازگاری چنین فرجامی با دنیای ذهنی کودکان تأکید داشتند. از این‌رو، شاعر نیمه پایانی شعر را بازسرایی کرد و روایت تازه با عنوان «کاجستان» در کتاب فارسی پایه پنجم دبستان جای گرفت (همان).

در روایت جدید، حادثه آغازین همچنان بر اثر وزش طوفان رخ می‌دهد و یکی از دو کاج، مانند روایت نخست، بر دوست خود تکیه می‌کند و از او یاری می‌خواهد؛ اما از این نقطه به بعد، مسیر روایت دگرگون می‌شود. کاج همسایه نه تنها از پذیرش دوست خود سر باز نمی‌زند، بلکه با مهربانی و وفاداری او را در آغوش می‌گیرد و تحمل می‌کند تا ریشه‌های آسیب‌دیده‌اش دوباره استوار شوند. او این رفتار را با یادآوری دوستی دیرینه و احتمال گرفتار شدن خود در چنین وضعیتی توجیه می‌کند. چندی بعد، کاج آسیب‌دیده سلامت خود را بازمی‌یابد و هر دو درخت به زندگی مشترک ادامه می‌دهند. حاصل این همدلی، باروری و گسترش زندگی است؛ میوه‌ها بر زمین می‌ریزند، بذرها جوانه می‌زنند و در گذر زمان، پیرامون خطوط سیم‌های پیام، انبوهی از کاج‌ها سر برمی‌آورند و «کاجستان» شکل می‌گیرد.

بدین ترتیب، دو روایت، اگرچه از آغازگاهی یکسان برخوردارند، در پایان‌بندی و پیام نهایی تفاوتی بنیادین می‌یابند. روایت نخست با نمایش پیامدهای بی‌وفایی و خودخواهی، به فرجامی تراژیک می‌رسد؛ در حالی که روایت دوم، با تأکید بر همدلی، ایثار و امید، پایانی خوش و سازنده ارائه می‌کند. این تفاوت، تنها به تغییر چند بیت پایانی محدود نیست، بلکه نظام روایی، فضای عاطفی، جهت‌گیری اخلاقی و در نتیجه کارکرد بلاغی شعر را نیز دگرگون می‌سازد.

از همین‌جا پرسش اصلی این پژوهش شکل می‌گیرد: کدام یک از این دو روایت، در انتقال ارزش‌هایی چون محبت، وفاداری، همدلی و مسئولیت‌پذیری به مخاطب کودک و نوجوان کامیاب‌تر است؟ آیا بیان مستقیم فضیلت‌ها در روایت جدید اثر تربیتی بیشتری دارد یا روایت نخست، با نشان دادن پیامدهای بی‌وفایی و واگذاشتن نتیجه‌گیری به ذهن مخاطب، تأثیری عمیق‌تر بر جای می‌گذارد؟ پاسخ به این پرسش، تنها از رهگذر مقایسه محتوایی ممکن نیست، بلکه مستلزم بررسی دقیق ساختار بلاغی،

شگردهای زبانی و اقتضای حال در هر دو روایت است. از این رو، در ادامه، دو متن بر پایه معیارهای بلاغت و با رویکردی تطبیقی تحلیل و ارزیابی خواهند شد.

۵-۵. تحلیل بلاغی و تطبیقی دو روایت بر پایه اقتضای حال

پیش از ورود به تحلیل بلاغی دو روایت، یادآوری دو نکته ضروری است. نخست آنکه مقصود این پژوهش، نفی ارزش‌های ادبی روایت جدید یا کاستن از جایگاه هنری آن نیست. روایت «کاجستان» به خودی خود از انسجام روایی، زبان روان و پیام اخلاقی روشنی برخوردار است و اگر مستقل از روایت نخست خوانده شود، می‌تواند اثری مؤثر و متناسب با مخاطب کودک و نوجوان به شمار آید. از این رو، داوری‌های این پژوهش بر پایه مقایسه دو روایت با یکدیگر صورت می‌گیرد، نه بر اساس ارزیابی مستقل هر یک از آنها.

نکته دوم آن است که این مقاله بر این پیش‌فرض استوار نیست که هر پایان تلخی الزاماً از پایان خوش اثر گذارتر است یا برعکس، پایان خوش همواره برای مخاطب کودک مناسب‌تر است. معیار اصلی داوری در این پژوهش، مبانی علم معانی، به‌ویژه اصل اقتضای حال، و نیز میزان کامیابی هر روایت در انتقال غیرمستقیم مفاهیم اخلاقی و درگیر ساختن ذهن و عاطفه مخاطب است. بنابراین، هر جا از برتری یکی از دو روایت سخن گفته می‌شود، مقصود برتری آن در تحقق این معیارهای بلاغی است، نه ارزش‌گذاری مطلق ادبی.

از منظر ساختاری نیز دو روایت تا پایان بیت ششم کاملاً یکسان‌اند. شاعر در این بخش، با معرفی شخصیت‌ها، ترسیم رابطه دوستی میان دو کاج و ایجاد زمینه وقوع حادثه، پیرنگ مشترکی را بنیان می‌نهد و روایت را به نقطه گره‌افکنی می‌رساند. تفاوت اساسی دو متن از بیت هفتم آغاز می‌شود؛ یعنی درست در جایی که مسیر گره‌گشایی، شکل‌گیری اوج داستان و انتقال پیام نهایی رقم می‌خورد. از این رو، کانون اصلی تحلیل حاضر نیز بر همین بخش متمرکز خواهد بود؛ زیرا تغییرات شاعر در این قسمت، نه تنها پایان داستان، بلکه ساختار علی روایت، فضای عاطفی، نحوه شخصیت‌پردازی و در نهایت کارکرد بلاغی شعر را دگرگون کرده است.

در تحلیل پیش‌رو، دو روایت بر اساس چند معیار بلاغی بررسی می‌شوند: نخست، میزان انطباق هر روایت با اقتضای حال مخاطب کودک و نوجوان؛ دوم، شیوه انتقال پیام اخلاقی و نسبت میان آموزش مستقیم و غیرمستقیم؛ سوم، انسجام علی رخدادها و نقش آنها در شکل‌گیری تأثیر عاطفی؛ و چهارم، سهم عناصر زبانی و روایی در

برانگیختن مشارکت ذهنی مخاطب. این معیارها، مبنای مقایسه تطبیقی دو روایت خواهند بود و نتیجه‌گیری نهایی نیز بر اساس آنها ارائه خواهد شد.

۵-۵-۱. اقتضای حال و عنوان شعر

نخستین نقطه افتراق دو روایت، عنوان آنهاست. روایت نخست با عنوان «دو کاج» و روایت دوم با عنوان «کاجستان» عرضه شده است. هرچند هر دو عنوان با فضای شعر تناسب دارند، از منظر بلاغت و به‌ویژه اصل اقتضای حال، تفاوت‌هایی میان آنها دیده می‌شود.

عنوان «دو کاج» بر یک تصویر عینی و شمارش‌پذیر استوار است. کودک در نخستین مواجهه با این عنوان، بی‌درنگ دو درخت را در ذهن خود مجسم می‌کند و رابطه میان آن دو را انتظار می‌کشد. حضور عدد «دو» افزون بر آنکه با توانایی‌های شناختی کودک تناسب دارد، نوعی انتظار روایی نیز پدید می‌آورد؛ زیرا ذهن مخاطب از همان آغاز در پی کشف رابطه میان این دو شخصیت قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، عنوان شعر پیش از آغاز روایت، مخاطب را برای ورود به فضای داستان آماده می‌کند.

در مقابل، عنوان «کاجستان» حاصل ترکیب اسم «کاج» با پسوند مکان‌ساز «-ستان» است. این عنوان از حیث واژه‌سازی، خلاقانه و خوش‌ساخت است و بر گسترش و تکثیر زندگی دلالت می‌کند، اما دریافت کامل آن مستلزم نوعی انتزاع ذهنی است؛ زیرا کودک در آغاز خواندن شعر هنوز نمی‌داند که چگونه دو کاج به «کاجستان» تبدیل خواهند شد. از این‌رو، دلالت کامل این عنوان تا پایان روایت به تأخیر می‌افتد و بیش از آنکه بر تصویر آغازین استوار باشد، بر نتیجه داستان تکیه دارد. بنابراین، اگر معیار، تناسب عنوان با اقتضای حال مخاطب کودک باشد، عنوان «دو کاج» از جهت عینیت، تصویرسازی و برانگیختن انتظار روایی، تناسب بیشتری با ذهن مخاطب دارد؛ هرچند عنوان «کاجستان» از منظر نمادپردازی و ایجاز معنایی، عنوانی هنرمندانه و قابل دفاع است.

۵-۵-۲. اقتضای حال، اطناب و ایجاز

یکی دیگر از تفاوت‌های دو روایت، میزان بهره‌گیری آنها از اطناب و ایجاز است. روایت نخست در چهارده بیت و روایت دوم در دوازده بیت سروده شده است. این تفاوت ظاهراً اندک، در ساختار روایی و میزان اثرگذاری شعر نقشی تعیین‌کننده دارد.

اطناب در روایت نخست، اطنابی زاید و ملال‌آور نیست، بلکه اطناب بلاغی است؛ یعنی شاعر با افزودن جزئیات، فرصت بیشتری برای شکل‌گیری کشمکش داستان و برانگیختن احساسات مخاطب فراهم می‌آورد. کودک در این روایت، بی‌مهری کاج

همسایه را مرحله به مرحله مشاهده می‌کند، گفت‌وگوی تند او را می‌شنود، سقوط کاج آسیب‌دیده را می‌بیند و سرانجام پیامد طبیعی این رفتار را در قطع شدن درخت سنگدل مشاهده می‌کند. این توالی رخدادها، موجب می‌شود مخاطب نه تنها پیام اخلاقی شعر را دریابد، بلکه آن را به صورت تجربه‌ای عاطفی نیز احساس کند.

در مقابل، روایت دوم با ایجاز بیشتری پیش می‌رود و شاعر می‌کوشد در زمانی کوتاه‌تر، رفتار مهربانانه کاج همسایه و پیامدهای مثبت آن را نشان دهد. این ایجاز با فضای آرام و امیدبخش روایت تناسب دارد، اما از شدت کشمکش داستانی می‌کاهد و فرصت کمتری برای مشارکت عاطفی مخاطب فراهم می‌سازد. از منظر بلاغت، هر دو شیوه با هدف روایت سازگارند، اما اگر معیار، میزان تأثیرگذاری بر مخاطب کودک باشد، اطناب هدفمند روایت نخست، به سبب ایجاد تعلیق، انتظار و درگیری عاطفی، ظرفیت بیشتری برای انتقال غیرمستقیم پیام اخلاقی دارد.

۵-۳. اقتضای حال و گزینش واژگان

تفاوت دو روایت در سطح واژگان نیز کاملاً آشکار است. در شش بیت نخست، زبان دو شعر تقریباً یکسان است؛ اما از آغاز گره‌گشایی، میدان واژگانی هر روایت مسیر مستقلی پیدا می‌کند.

در روایت نخست، واژگانی مانند «تندی»، «مردم‌آزار»، «بیزار»، «دور شو»، «بی‌طاقتی»، «بی‌رحمی»، «پاره شدن»، «افتادن»، «خطر»، «تبر» و «شکستن» فضای پرتنش و تراژیک داستان را شکل می‌دهند. این واژه‌ها نه تنها بار عاطفی شدیدی دارند، بلکه زنجیره علت و معلولی داستان را نیز تقویت می‌کنند. در برابر، روایت دوم از واژگانی چون «نرمی»، «دوستی»، «مهربانی»، «آرام شدن»، «پا گرفتن»، «سالم شدن»، «دانه»، «باران» و «کاجستان» بهره می‌گیرد که همگی در خدمت القای آرامش، امید و رویش قرار دارند.

نکته مهم آن است که هر دو مجموعه واژگانی، با فضای روایی متن خود هماهنگ‌اند و از این حیث، گزینش شاعر کاملاً آگاهانه است. با این همه، از منظر اقتضای حال، واژگان روایت نخست به سبب عینیت، تحرک و قابلیت تصویرسازی، زمینه بیشتری برای برانگیختن احساسات مخاطب فراهم می‌کنند؛ در حالی که بخش مهمی از واژگان روایت دوم بر مفاهیم انتزاعی و نتایج اخلاقی تکیه دارند. از همین رو، اثر عاطفی روایت نخست بیشتر از مسیر تجربه و مشاهده منتقل می‌شود، اما روایت دوم بیشتر بر بیان مستقیم ارزش‌های اخلاقی استوار است.

نمونه ظریفی از این تفاوت را می‌توان در کاربرد دو واژه «نیز» و «هم» مشاهده کرد. در روایت نخست، شاعر می‌گوید که مأموران، «آن کاج سنگدل را نیز» «بریدند. حضور «نیز» در پایان زنجیره حوادث، مفهوم مجازات و پیامد طبیعی رفتار را کامل می‌کند. افزون بر این، هم‌نشینی آوایی این واژه با «تبر» و فضای خشن روایت، نوعی هماهنگی موسیقایی و معنایی پدید آورده است. در مقابل، روایت دوم از واژه «هم» بهره می‌گیرد که با فضای همدلی و همراهی داستان سازگارتر است و انسجام واژگانی روایت را حفظ می‌کند. این تفاوت‌های ظریف نشان می‌دهد که شاعر حتی در گزینش واژه‌های کوچک نیز اقتضای فضای هر روایت را در نظر داشته است.

۵-۴. اقتضای حال و معانی نحو

برجسته‌ترین تفاوت بلاغی دو روایت را باید در نحوه انتقال پیام جست‌وجو کرد. روایت نخست، پیام اخلاقی خود را عمدتاً از راه کنایه، تصویر و نمایش رفتار شخصیت‌ها منتقل می‌کند؛ در حالی که روایت دوم به بیان مستقیم فضیلت‌هایی چون مهربانی، دوستی و همدلی گرایش بیشتری دارد. بلاغت‌دانان از دیرباز بر اثرگذاری بیشتر بیان غیرمستقیم تأکید کرده‌اند؛ چنان‌که سکاکی می‌گوید: «الکنایه أبلغ من التصريح» (سکاکی، ج ۱: ۳۹۷).

در روایت نخست، شاعر نخست با یک جمله خبری ساده، گفت‌وگوی دو همسایه را آغاز می‌کند، اما ناگهان انتظار طبیعی مخاطب را بر هم می‌زند؛ زیرا کاجی که باید پناه دوست آسیب‌دیده خود باشد، با تندی و خشونت پاسخ می‌دهد: «ای مردم‌آزار، از تو بیزارم، دور شو!» این گسستن از رفتار متعارف، نوعی برجسته‌سازی بلاغی ایجاد می‌کند و ذهن کودک را به شدت درگیر می‌سازد. مخاطب بدون آنکه شاعر مستقیماً او را به مهربانی دعوت کند، از رهگذر مشاهده زشتی این رفتار، ارزش مهربانی را درمی‌یابد. این همان چیزی است که در بلاغت از آن با عنوان انتقال غیرمستقیم معنا یاد می‌شود. در روایت دوم، کاج همسایه از آغاز با مهربانی سخن می‌گوید و دلیل رفتار خود را نیز آشکارا بیان می‌کند: «دوستی را از یاد نمی‌برم؛ زیرا ممکن است روزی این حادثه برای من نیز رخ دهد.» این بیان، از نظر اخلاقی ارزشمند است، اما مخاطب را کمتر در فرایند کشف معنا مشارکت می‌دهد؛ زیرا شاعر نتیجه را خود بیان کرده است. در روایت نخست، مخاطب به نتیجه می‌رسد؛ اما در روایت دوم، نتیجه را دریافت می‌کند.

همین تفاوت در ادامه روایت نیز دیده می‌شود. در روایت نخست، زنجیره رخدادها با نظم کامل‌تری پیش می‌رود: بی‌رحمی، سقوط کاج، پارگی سیم‌ها، حضور سیم‌بانان و سرانجام قطع شدن کاج سنگدل. هیچ‌یک از این رخدادها مستقل از دیگری نیست و

پایان داستان پیامد طبیعی رفتار شخصیت اصلی است. این پیوند علی، هم باورپذیری روایت را افزایش می‌دهد و هم مخاطب را به اندیشیدن درباره رابطه کردار و پیامد آن وامی‌دارد.

در روایت دوم، پس از مهربانی کاج همسایه، رخدادها با شتاب بیشتری به سوی پایان حرکت می‌کنند؛ باد آرام می‌شود، کاج آسیب‌دیده بهبود می‌یابد، دانه‌ها می‌رویند و سرانجام «کاجستان» شکل می‌گیرد. این پایان‌بندی، اگرچه با فضای امیدبخش روایت هماهنگ است، بیش از آنکه بر کشمکش و تعلیق داستانی تکیه داشته باشد، بر نمادپردازی و پیام اخلاقی استوار است. از این‌رو، روایت نخست به سبب بهره‌گیری از کنایه، تعلیق، رابطه علی و مشارکت فعال مخاطب در کشف معنا، از منظر بلاغت و اقتضای حال، ظرفیت بیشتری برای اثرگذاری عاطفی و تربیتی بر مخاطب کودک و نوجوان دارد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با روش بررسی تطبیقی بر پایه تحلیل بلاغی، دو روایت شعر «دو کاج» و «کاجستان» از محمدجواد محبت را با تکیه بر مبانی علم معانی، به‌ویژه اصل اقتضای حال، بررسی کرد. هدف پژوهش، پاسخ به این پرسش بود که کدام‌یک از دو روایت از منظر بلاغی و متناسب با مخاطب کودک و نوجوان، در انتقال مفاهیم اخلاقی اثرگذاری بیشتری دارد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که هر دو روایت از نظر ادبی و تربیتی آثاری ارزشمندند؛ اما تفاوت در شیوه روایت‌پردازی و انتقال پیام، سبب تفاوت در میزان اثرگذاری آنها شده است. روایت نخست با بهره‌گیری از کنایه، کشمکش روایی، رابطه علی میان رخدادها و انتقال غیرمستقیم پیام اخلاقی، مخاطب را در فرایند کشف معنا مشارکت می‌دهد و از این رهگذر، تأثیر عاطفی و بلاغی بیشتری بر جای می‌گذارد. در مقابل، روایت دوم با تکیه بر بیان صریح فضیلت‌هایی چون همدلی، مدارا و امید، فضایی آرام‌تر و آرمان‌گرایانه‌تر می‌آفریند و بیشتر بر آموزش مستقیم ارزش‌های اخلاقی استوار است. تحلیل تطبیقی دو روایت نشان داد که تغییر پایان‌بندی شعر، تنها به دگرگونی پیام اخلاقی محدود نشده، بلکه ساختار روایت، گزینش واژگان، شگردهای بیانی و نحوه ارتباط متن با مخاطب را نیز دستخوش تغییر کرده است. بر این اساس، روایت نخست از منظر مبانی بلاغت، به‌ویژه اصل اقتضای حال، ظرفیت بیشتری برای اثرگذاری غیرمستقیم بر مخاطب کودک و نوجوان دارد.

نوآوری این پژوهش در آن است که برای نخستین بار دو روایت این شعر را با رویکردی تطبیقی و بر پایه تحلیل بلاغی بررسی کرده و نشان داده است که ارزیابی آثار ادبی کودک، افزون بر ملاحظات آموزشی و تربیتی، نیازمند توجه به ظرفیت‌های بلاغی و هنری آنها نیز هست. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در بازآفرینی متون ادبی برای کتاب‌های درسی، حفظ ظرفیت‌های بلاغی و شیوه‌های غیرمستقیم انتقال پیام اخلاقی، در کنار اهداف آموزشی، مورد توجه قرار گیرد. همچنین بررسی این دو روایت از منظر روایت‌شناسی، روان‌شناسی تربیتی و مطالعات کتاب‌های درسی می‌تواند زمینه پژوهش‌های بعدی را فراهم سازد.

منابع و مأخذ

منابع کتابی

- اخوت، احمد (۱۳۹۰). *دستور زبان داستان*. تهران: نشر فردوس.
- خطیب قزوینی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۲). *الإيضاح فی علوم البلاغة*.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵). *کلیات سعدی*. به تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: هرمس.
- السکاکي، يوسف بن محمد (بی‌تا). *مفتاح العلوم*. به کوشش عبدالحمید هنداوای. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش، (۱۳۶۳). *کتاب فارسی چهارم دبستان*. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
- سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش، (۱۳۹۴). *کتاب فارسی پنجم دبستان*. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
- کیهان فرهنگی (۱۳۸۴). «ویژه‌نامه محمدجواد محبت»، شماره ۲۲۳.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۸). *عناصر داستان*. تهران: سخن.

منابع برخط

- انجمن شعر ایران. «محمدجواد محبت».
- ایسنا. (۲۳ اسفند ۱۴۰۱). «شاعر دو کاج درگذشت».
- ایسنا. (۲۶ اسفند ۱۴۰۱). «شاعر دو کاج رهسپار خانه ابدی شد».
- صبح قزوین. «تغییر داستان دو کاج قدیمی در کتاب‌های درسی جدید».
- شهرستان ادب. (۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱). «پرواز شبتابان؛ دو شعر تازه و منتشر نشده محمدجواد محبت».
- عصر ایران. «رد پای حداد عادل در «دو کاج».
- عصر ایران. (۲۳ اسفند ۱۴۰۱). «شاعر دو کاج درگذشت».
- روزنه آنلاین. «شعر دو کاج».